

وقتی بچه ها به سفر خیالی رفتند

۲۱۷

شکر + کوله پیشته

۱۴۰۳

۰۸

۲۳

همیشه روزنامه شهرآر
ویژه کودکان مشهد
چهارشنبه

سفری با کشتی کتابی

چهارشنبه کتاب بخوانیم

۸

قدردانی های قشنگ

۱۴



پیش به سوی دانایی

با نام و یاد خدای عزیز و مهربان که داناست و دانایی و دانایان را دوست دارد. سلام بچه های عزیز. سلام دوستان بهتر از جان کوله پستی. امید وارم که حال همه شما خوب و خوش باشد و هر روز بیشتر از روز پیش به علم و دانش و ادب خود اضافه کرده باشید.

بچه های عزیز! حتما می دانید که از فردا «هفته ی کتاب خوانی» شروع می شود و در خیلی از مراکز فرهنگی مثل مدارس، فرهنگ سراها و کتابخانه ها، به خاطر ارزش گذاشتن به مقام جایگاه کتاب و گسترش فرهنگ کتاب خوانی و بالا بردن سطح مطالعه، برنامه های مختلفی مثل مسابقات کتاب خوانی، معرفی کتاب های خوب و مناسب و نمایشگاه کتاب با تخفیف و برنامه هایی از این قبیل برگزار می شود.

خب حالا بگویید بینم شما چه فکری برای پاسداشت و ارج گذاشتن به این «یار مهربان و دانا و خوش بیان» که باعث رشد و پیشرفت زندگی بشر شده است، دارید؟ بله ممکن است راه های مختلفی برای «هفته کتاب خوانی» به ذهنتان برسد که عالی باشد، اما یادتان نرود که اول بهتر است، ایده هایتان را با مربی پرورشی یا معاون مدرسه در میان بگذارید، بعد با یک روحیه جمعی و همکاری گروهی این فکرها را خوب را اجرایی کنید. از نتایج فعالیت های خود در این زمینه برای کوله پستی عکس و خبر بفرستید و منتظر باشید که در قاب کوله پستی دیده شوید.



طیبه ثابت

فهرست

دو خوراکی پر فایده ۱/
انگشتر بابا ۲/
بسته های طلای زیبا ۳/
سفری با کشتی کتابی ۴/
آشپز حرفه ای ۶/
باقالی ها را پیدا کن ۷/
چگونه کتاب بخوانیم ۸/
این هدیه خداوند را با هیچ چیز عوض نمی کنم ۱۰/
سوپ خوش مزه سبزیجات ۱۲/
کتاب های خوب ۱۳/
قدردانی های قشنگ ۱۴/
من و دوست عزیزم ۱۶/

صاحب امتیاز:
شهر داری مشهد
مدیر مسئول:
سید میثم موسوی مهر
سر دبیر:
سید ستاد طلوع هاشمی
دبیر ضمیمه:
ارژنگ حاتمی
دبیر کوله پستی:
طیبه سادات ثابت
گرافیک و صفحه آرایی:
ملک جمعی

بست الکترونیک:
sabet@shahrara.com
نشانی سایت:
shahraranews.ir/fa/kids
۰۶۰-۵۴۶۵۸۱
نشانی: خیابان کوهسنگی
ابتدای کوهسنگی ۱۵
۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
توزیع و امور مشترکین:
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
داخلی ۴۷۱ و ۴۷۲





دو خوراکی پر فایده



بعضی از بچه‌ها هستند که از غذاهای خوب و پر فایده‌ای که برایشان تهیه می‌شود همیشه ایراد می‌گیرند و به خاطر این ایرادگیری‌های غذایی که «من این را می‌خورم و این را نمی‌خورم» به بچه‌ای بد غذا معروف شده‌اند. ان شاء... که شما جزو بچه‌های بد غذا نباشید چون این گروه به خاطر عادت‌های بد غذایی نمی‌توانند ویتامین‌های لازم از همه غذاها را دریافت کنند و اغلب زود بیمار می‌شوند. امروز می‌خواهیم شما را با دو خوراکی پر فایده یعنی قارچ و بامیه که در غذاها از آن استفاده می‌شود، آشنا کنیم:

قارچ:

قارچ‌های خوراکی و سالم که انواعشان از نظر کارشناسان علم تغذیه مشخص و محدود هستند، منبع خوبی از مواد معدنی لازم برای بدن، مثل مس، پتاسیم و ویتامین‌ها است. خوب است بدانید ویتامین D موجود در قارچ باعث می‌شود که وقتی غذایی حاوی قارچ مصرف می‌کنید، استخوان‌های محکمی داشته باشید. همچنین آنتی‌اکسیدان‌هایی که در قارچ وجود دارد، سیستم ایمنی بدن شما را بالا برده و به این ترتیب باعث می‌شود به بیماری‌هایی مانند بیماری قلبی و سرطان مبتلا نشوید. قارچ‌ها سرشار از ویتامین‌های گروه B هستند و به سلامت مغز و سیستم عصبی شما کمک می‌کنند.

بامیه:

این گیاه خوش مزه سبزرنگ را دست کم نگیرید چون منبع خوبی از ویتامین C و مواد معدنی لازم برای سلامت بدن شماست. مصرف بامیه علاوه بر خاصیت مُلینِی که دارد و دستگاه گوارش شما را نرم می‌کند، به افرادی که احساس کوفتگی، افسردگی یا ضعف دارند توصیه می‌شود، چرا که منیزیم موجود در این گیاه می‌تواند اعصاب را آرام کند و حس بهتری به بدن و ذهن شما دهد. این گیاه کوچک همچنین پر از مواد مغذی است که به جلوگیری از التهاب و عفونت مخصوصاً در ریه کمک می‌کند. یادتان باشد وقتی سرما خورده‌اید و گلویتان درد دارد، مصرف بامیه را فراموش نکنید. اثر ضد ویروسی و ضد باکتریایی این گیاه، گلودرد را کاهش می‌دهد. نوشیدن آب بامیه سبز نیز می‌تواند راه حل مؤثری در بهبود گلودرد باشد.





انگشتر بابا

حیف است که کوتاه است
این شادی یک روزه
اندازه‌ی دستم نیست
انگشتر فیروزه

خندید به من بابا
من مرد شدم دیگر
بابا شده‌ام الان
با بودن انگشتر

آرام درآوردم
انگشتر بابا را
انگشتر سبزش شد
مال خود من حالا



بسته‌های طلقی زیبا



خیلی وقت‌ها در خانه چیزهایی داریم که استفاده نمی‌کنیم. مانند طلق و برچسب‌های رنگی و غیره ... شما با همین چیزهای ساده می‌توانید جعبه یا بسته‌های طلقی زیبایی برای خودتان یا دیگران درست کنید. این جعبه‌ها برای جمع‌آوری خرده‌ریزها و هم برای بسته‌ی هدیه بسیار خوب‌اند. امروز با یک روش ساده و خیلی راحت بسته‌های طلقی با هم درست خواهیم کرد. دو مربع برای در و ته جعبه و چهار مستطیل هم‌اندازه طول مربع برای دیواره‌های جعبه برش بزنید. سه نوار مستطیل برای دور در جعبه مطابق شکل برش بزنید. دور تمام مربع‌ها و مستطیل و نوارها را با پانچ سوراخ کنید. حالا با عبور دادن نخ از سوراخ‌ها، دیواره‌های جعبه را به هم وصل کنید. فراموش نکنید! بعد از پایان کار حتماً نخ را به نخ دیگری گره بزنید و کار را شروع کنید. با همین روش تمام قسمت‌های جعبه را به سادگی به هم وصل کنید. در پایان اگر دوست داشتید می‌توانید برچسب‌های رنگی را به دیواره‌های جعبه بچسبانید. جعبه وسایل یا جعبه هدیه شما آماده است.

چی لازم داریم؟

خط‌کش

قیچی

ماژیک

نخ محکم

پانچ

برچسب

طلق



وقتی بچه ها به سفر خیالی رفتند



سفری با کشتی کتابی



زیر آب است.» همین موقع قایق لرزید و آب موج برداشت و از بین موج ها کله ی هیولای دریایی بیرون آمد. گردنش خیلی بلند بود. دو تا شاخ قرمز روی سرش داشت و بدنش پر از پولک های آبی بود. بچه ها تا او را دیدند، جیغ و داد کنان سعی کردند پارو بزنند و دور شوند. هیولا دم بلندش را دور قایق پیچید. قایق دیگر تکان نخورد. محسن گفت: «الان خورده می شویم!» نرگس زد زیر گریه و مینا که زل زده بود به هیولا گفت: «باید با او حرف بزنیم.» میلاد با عجله داد زد: «آهای گنده ی زشت، با ما چه کار داری؟» هیولا غرشی کرد و گفت: «شما مزاحم خوابم شدید. گرسنه ام. شما هم خوش مزه به نظر می آیدید.» نرگس بلندتر گریه کرد. مهدی که انگار فکری به ذهنش رسیده بود، گفت: «ما بدمزه ایم و بوی بدی می دهیم. اگر باور نداری سرت را جلو بیاور و بو کن.» هیولا با عجله سرش را جلو آورد. همین موقع مهدی به میلاد و محسن اشاره کرد. تا هیولا سرش را جلو آورد، سه تایی با پارو کوبیدند توی سرش. هیولا فریادی زد و بیهوش شد و رفت زیر آب و دمش از دور قایق باز شد. مینا لبخندی زد و گفت: «آفرین! تا به هوش نیامده باید فرار کنیم.» بچه ها سریع نشستند و به سمت ساحل پارو زدند. چند تادلفین هم که سروکله شان پیدا شده بود، آمدند کمک و قایق را هل دادند چون نرگس داشت تکه های کیک توی دستش را برایشان در آب می انداخت. قایق

کتاب ها خیلی جالب اند ما را به دنیای قشنگی می برند. کتاب کتابخانه ی مدرسه ی مینا هم همین جوری بود.... مینا کتاب «سفرهای دریایی» را که از کتابخانه امانت گرفته بود، برداشت و گفت: «بیا بید با هم کتاب بخوانیم.» میلاد و محسن و مهدی، سه تا پسر خاله ها و دختر دایی نرگس با عجله آمدند و کنار مینا نشستند. مینا کتاب را باز کرد. همین که کتاب باز شد، اتفاق عجیبی افتاد. از نقاشی صفحه ی اول کتاب، نوک یک قایق بیرون زد و کلی آب پاشید بیرون. بچه ها عقب رفتند. مینا آهی کشید و گفت: «وای، فرش اتاقم خیس آب شد!» میلاد که حسابی هیجان زده شده بود، داد زد: «قایق را ببینید!» مهدی آهسته به قایق نزدیک شد و گفت: «واقعی است!» نرگس با هیجان داد زد: «پس چرا سوارش نمی شویم.» بچه ها نگاهی به هم انداختند و دویدند سمت قایق. به قایق که رسیدند، قایق حسابی بزرگ شد. آن قدر که همه می توانستند تویش بنشینند. بچه ها کم کم از ساحل اتاق دور شدند. مینا که داشت پرنده های دریایی بالای سرش را نگاه می کرد، گفت: «باورم نمی شود این ها واقعی باشند!» میلاد و مهدی گفتند: «خیلی واقعی اند و زیبا.» هنوز حرفشان تمام نشده بودند که از زیر آب صدای عجیبی آمد. نرگس جیغ کشید. محسن داد زد: «انگار یک چیزی





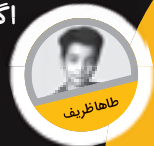
«عجب کتابی! کتابخانه‌ی مدرسه‌تان باز هم از این کتاب‌ها دارد؟» مینا لبخندی زد و گفت: «معلوم است. هفته‌ی بعد کتاب سفر به فضا را امانت می‌گیرم.» میلاد با هیجان بالا و پایین پرید و گفت: «جانمی! من عاشق فضاءوردی‌ام.»

سریع جلورفت تا رسید به خشکی و محکم با خشکی برخورد کرد. آن قدر محکم که بچه‌ها پرت شدند بیرون. وقتی چشم‌هایشان را باز کردند، دیدند دوباره توی اتاق هستند. به کتاب نگاه کردند. قایق توی نقاشی کتاب، کنار ساحل ایستاده بود. مهدی داد زد:



آشپز حرفه‌ای

اگر شما هم مثل من علاقه مند به دنیای آشپزی هستید و دلتان می‌خواهد روزی یک سرآشپز حرفه‌ای شوید که در طعم و مزه‌های متنوع و خوش مزه‌اش کسی نمی‌تواند روی دستش بلند شود، معرفی بازی امروز را از دست ندهید. در بازی امروز ما که «باباپز» نام دارد شما در نقش یک رستوران دار هستید که باید هم تیزو فرز باشید و هم بتوانید رضایت مشتری‌های مغازه خود را جلب کنید.



در واقع شما یک رستوران دارید که می‌توانید هم غذاهای سنتی و هم غذاهای حاضری مثل فلافل و خوراک را با سرعت آماده کنید و درآمد خود را افزایش دهید.

یادتان باشد که اگر سرعت عمل نداشته باشید و صبر مشتری تمام شود شما ضرر می‌کنید و اگر سرعت عمل و ادب را با هم در برابر مشتری داشته باشید، انعام دریافت می‌کنید.

در این بازی همچنین می‌توانید وسایل و تجهیزات خود را به روز کنید و مشتری‌های بیشتری به دست آورید.



اسکن کنید

خب حالا که با بازی
آشنا شدید
بارکد زیر را
اسکن کنید.





نخودسبزه‌ها را پیدا کن

مادر و سارا و سعید مشغول پاک کردن نخودسبزه هستند. حواس بچه‌ها به تماشای کارتون تلویزیون است و ۱۵ دانه نخودسبزه را که از غلاف آن جدا کرده‌اند، این طرف و آن طرف انداخته‌اند. بچه‌های عزیز با دقت در تصویر زیر تعداد ۱۵ عدد دانه نخودسبزه را پیدا کنید.



چرا موقع کتاب
خواندن راه می روی؟!
این جویری که نمی شود از کتاب
چیزی فهمید. یک بار تاس نریز
و یک گوشه بنشین و کتابت
را بخوان.

باتاس فرد
حرکت کن.

آفرین که موقع مطالعه
قوز نمی کنی و صاف می نشینی.
کتاب خواندن نباید به سلامتی تو
صدمه بزند. ۲ خانه جلو برو.

این چه کتابی
است برداشتی!! این
کتاب مناسب سن تو
نیست. ۴ خانه به عقب
برگرد و کتاب مناسب سن
خودت را انتخاب کن.

شروع:
پچه ها
می خواهند
کتاب بخوانند. با
آن ها همراه شو
تا کمکشان کنی
درست مطالعه
کنند. تاس بریز و
شروع کن.

چه کار خوبی
می کنی با دقت و حوصله
مطالعه می کنی و عجله
نداری. ۲ خانه
برو جلو.

چه طور کتاب بخوانیم

شرح بازی: برای این بازی
به یک تاس و به تعداد بازیکنان، مهره نیاز
داریم. بازی باتاس ۶ شروع می شود. برنده کسی
است که زودتر مسیر را طی کند و به نقطه ی پایانی
برسد. در بازی مواظب مارهای نیش نیشو باش.
هدف این بازی آموزش شیوه ی درست مطالعه
کردن به کودکان است تا بهترین استفاده را از
کتاب و زمان مطالعه ببرند و کتاب خوان های
خوبی باشند.

غاسطنی سپاهی
پنجسی



این وقت شب
که موقع کتاب خواندن
نیست! کتاب را کنار بگذار
و برو بخواب. یک بار تاس
نریز.



وای، چرا کتابت
را فراموش کردی و سر راه
انداختی؟! الان است که
پاره و کثیف شود. کتاب
را بردار و به خانه ی ۳۹
برگرد.

آفرین که
مواظب کتابت هستی
تا تمیز و سالم بماند.
۲ خانه برو جلوتر.



آفرین که
کتابت را به دوست
امانت می دهی که او هم
کتاب بخواند. ۲ خانه
برو جلوتر.



لازم نیست
این قدر داد بزنی و بلند
بلند کتاب بخوانی. ۲۰ خانه
به عقب برگرد.

پایان:
به آخر بازی رسیدی. آفرین که درست
مطالعه کردن را یاد گرفتی. از این به بعد
حواست باشد چه طور مطالعه می کنی.

حافظ کل قرآن:

این هدیه خداوند را با هیچ چیز عوض نمی‌کنم

«بعضی از پدر و مادرها فکر می‌کنند حفظ قرآن برای بچه‌ها سخت است یا در کنار درس نمی‌شود انجامش داد، اما من می‌خواهم بگویم نه تنها شدنی است که قرآن به پیشرفت درسی بچه‌ها خیلی هم کمک می‌کند...»
آنچه خواندید نظر مهدیه یعقوبی، دانش‌آموز کلاس ششم مدرسه سمیه و حافظ کل قرآن است. او از ۶ سالگی با تشویق مادر و برادرش شروع به حفظ قرآن کرده است. گفت‌وگوی ما با مهدیه را دنبال کنید.



شبنم کریمی

۱۱۴ سوره و ۳۰ جزء!

برادرم حافظ کل قرآن بود، ابتدا که من هم کنارش می‌نشستم و تلاوت زیبای او را گوش می‌دادم برایم باورکردنی نبود که قرآن، ۱۱۴ سوره و ۳۰ جزء دارد! وقتی برادرم قرآن می‌خواند با اینکه سواد زیادی نداشتم خط می‌بردم و هم‌زمان گاهی هم سوره‌های کوچک را حفظ می‌کردم؛ به همین دلیل، مادرم روش حفظ را یادم داد و کم‌کم حفظ جزء ۳۰ را تمام و در نهایت به حفظ کل قرآن دست پیدا کردم. به جز خانواده‌ام، خانم آقا جانلو در مؤسسه حفظ و خانم باغشنی در حرم رضوی با تشویق و حمایت خود، مراد را این راه خیلی کمک کردند.





۵ سال، روزی ۵ ساعت!

اولین سوره‌ای که حفظ کردم سوره‌ی نبأ بود. از کلاس اول، حفظ و مرور آیات را روزانه ۴ تا ۵ ساعت و به روش صوتی در کنار درس‌های مدرسه انجام دادم و کلاس پنجم موفق به حفظ کامل قرآن شدم. به قرائت علاقه زیادی دارم اما الان فقط زمان‌هایی که وقت دارم مثلاً صبح زود یا شب قرآن می‌خوانم و تثبیت و مرور محفوظات می‌کنم.

به جز حفظ، رشته معانی و مفاهیم آیات را هم دنبال و هفته‌ای دو جلسه در کلاس ترجمه و مفاهیم آنلاین شرکت می‌کنم و در مسابقات می‌خواهم شرکت کنم. امسال در مسابقات حفظ قرآن حوزه بسیج و همچنین

دانش‌آموزی شرکت کرده‌ام و امیدوارم رتبه خوبی بیاورم.

در درس‌هایم نیز موفق هستم و دوست دارم در رشته پزشکی درس بخوانم و در آینده دکتر شوم. به جز قرآن، به شنا و گلدوزی خیلی علاقه دارم و دلم می‌خواهد شنا را کامل یاد بگیرم، البته اکنون در گلدوزی مهارت دارم و طرح‌های گلدوزی خیلی خوشگلی برای خودم و خانواده می‌دوزم.

هدیه به حضرت زهرا (س)

تلاوت یا حفظ قرآن، در ایامی مانند دهه فاطمیه حس خوبی به من می‌دهد و همیشه در این روزها هر جزئی را که مرور می‌کنم به حضرت زهرا (س) هدیه می‌دهم تا خود حضرت زهرا (س) مرا کمک کند.

به نظر من خانم حضرت فاطمه زهرا (س) مادر ما هستند، ایشان از هر نظر الگو بوده و به ما درس ولایت‌مداری، ایثار و احترام به پدر و مادر داده‌اند. من به عنوان یک دختر شیعه، وقتی با چادر در خیابان قدم می‌زنم به پوشش خودم که موهبتی از طرف خانم فاطمه زهرا (س) است افتخار می‌کنم. به نظر من عفاف برای همه لازم است، خانم‌ها گوهر درونی‌شان را که مروارید گران‌قیمت وجودشان است در صدفی مانند چادر محفوظ نگه می‌دارد.

کاردل

حفظ قرآن کاردل است و آن را با عشق دنبال می‌کنم، تاکنون بیشترین فایده را برای من داشته و زمینه‌های موفقیت را حتی در درس برایم ایجاد کرده است. قرآن در دنیا و آخرت انیس و مونس ماست و خیلی از موفقیت‌م خوش‌حالم و این هدیه خداوند را با هیچ چیز عوض نمی‌کنم.

همچنین از آنچه در قرآن آموختم در راه کمک به دیگران استفاده و دوستانم را هم تا جایی که بتوانم راهنمایی می‌کنم. به هم‌سن و سالانم یادآوری می‌کنم که حفظ قرآن در ظاهر سخت به نظر می‌رسد، اما خیلی شیرین و زیباست و هر قدر جلوتر بروید مسیر برایتان زیباتر می‌شود. هر چند حفظ قرآن در کنار درس و مدرسه کمی مشکل است، اما در عوض پیروزی ارزشمندی است که با کمی تلاش و اراده، کسب شدنی است.

سوپ خوش مزه سبزیجات



این روزها که هوا دارد کم کم سردتر می شود سروکله سوپ و آش هم پیدا می شود. امروز نسیم سرماخورده و قرار است مادر برایش سوپ درست کند؛ یک سوپ مقوی و خوش مزه. مادر اول کدو، سیب زمینی و هویج را پوست و خرد کرد. بعد یک عدد پیاز را هم ریز و داخل ماهیتابه سرخ و بعد بقیه مواد را به پیاز اضافه کرد و آن ها را کمی تفت داد. همه مواد را داخل قابلمه ریخت و مقداری آب اضافه کرد. بعد از بیست دقیقه مقداری شوید، جعفری و نمک و فلفل هم اضافه کرد. وقتی مواد خوب پخت سوپ را داخل بشقاب ریخت. نسیم این سوپ را خیلی دوست داشت و از مادرش تشکر کرد. بچه ها سبزیجات مختلف ویتامین های زیادی دارند که سیستم ایمنی بدن را برای روزهای سرد تقویت می کنند. پس، از خوردن سوپ سبزیجات غافل نشوید.

چی لازم داریم؟

کدو سبز: یک عدد

هویج: یک عدد

سیب زمینی: یک عدد

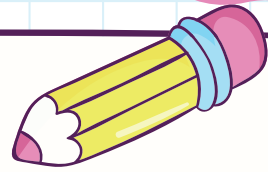
پیاز: یک عدد

شوید و جعفری: به میزان لازم

نمک و فلفل: به میزان لازم



کتاب‌های خوب



داستان این هفته ما درباره بزغاله هاست، بزغاله‌هایی که عاشق بازی‌اند. جبّه انگور از بیکاری خیلی خسته شده بود و حوصله‌اش سر رفته بود چون هیچ‌کس نبود که با او بازی کند. او دوست داشت هرچه زودتر برگردد به خانه‌شان تا با اسباب‌بازی‌هایش بازی کند تا اینکه مامان بزرگ از راه رسید و همه را دور هم جمع کرد و گفت: «می‌خواهیم یک بازی پر رمز و راز بکنیم که بهش میگن اتل، متل، توتوله»

خب کی می‌داند که راز بازی اتل، متل، توتوله چی بود؟ اگر شما هم مثل من دوست

دارید که راز این بازی را بدانید، این کتاب را حتما بخوانید. این کتاب مناسب ۸ تا ۱۰ ساله هاست.

اسم کتاب: اتل متل و بزغاله‌ها
نام نویسنده: افسانه موسوی گرمارودی
اسم نشر: انتشارات یک دانه



داستان ما درباره یک پسر کوچولو و مادر بزرگش است. در این کتاب می‌خوانید؛ وقتی بهار «نمکی» پیش مادر بزرگش به روستا رفته بود، خیلی تعجب کرد چون روستا خیلی عجیب و غریب شده بود. قانون‌ها هم عوض شده بود مثلاً بعد از غروب آفتاب باید همه درها بسته می‌شد و اگر نه دیو پشت کوه‌ها می‌آمد. یکی از این شب‌های بهاری قرار شد که نمکی درهای خانه مادر بزرگ که هفت تا بود را ببندد، اما نمکی خیلی خوابش می‌آمد و یک در را یادش رفت ببندد و خوابش برد ولی وقتی بیدار شد دید توی خانه مادر بزرگش نیست. او دید که یک دیو بزرگ به او می‌گوید: «شش در رو بستنی نمکی یکی رو بستنی نمکی!»

اگر شما هم مثل من دوست دارید که راز در هفتم را بدانید، پیشنهاد می‌کنم این کتاب را مطالعه کنید. این کتاب مناسب سن ۷ تا ۱۰ ساله هاست.

اسم کتاب: هفت در باز
نام نویسنده: سوسن طاق‌دیس
اسم نشر: انتشارات یک دانه





مرجان اسماعیلی

بچه های عزیز، این روزها ایام شهادت حضرت زهرا^(س) دختر پیامبر عزیزمان حضرت محمد^(ص) و همسر حضرت علی^(ع) است. ایشان گفته های زیادی درباره احترام به پدر و مادر و خوبی به آن ها دارند. حضرت زهرا^(س) به ما یاد داده است که قدر پدر و مادرمان را بدانیم و هر جا از دستان برمی آید کمکشان کنیم چون آن ها برای ما خیلی زحمت می کشند پس ما باید به فکرشان باشیم و از آن ها قدردانی کنیم.

قدردانی های قشنگ



۱ دخترم
میشه تریچه ها رو
تمیز کنی. بقیشو من
تمیز می کنم.

۲ باشه
حتما. اگه کار
دیگه ای هم مونده
بدین من انجام
بدم.



۱ سلام
باباجون. بذارین
منم کمکتون کنم.

۲ خودم
می شویم
پسر.

۳ شما
از صبح سرکار
بودید خسته اید
من کمک
می کنم.



۱ به به!
چقدر تمیز شده.
آفرین دخترم.

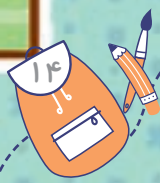
۲ مامان
چون امروز خونه
بودم، گفتم اتاقم
رو مرتب کنم.



۱ پسر فکر
می کنم این ماه نتونم
چون تازه هزینه کلاس
تقویتی ات رو پرداختم.
باشه ماه بعد.

۲ راستی بابا
گفتین برام شطرنج
می خرین کی بریم
خرید؟

۳ اشکال
نداره می تونم صبر
کنم هر وقت شما
تونستین.





من و دوست عزیزم

تا حالا به این فکر کردین اگه کتابا نبودن دنیا چه شکلی بود و ما چطور زندگی می کردیم. فکر کردن به دنیای بدون کتاب واقعا سخته. چرا؟ خب معلومه. اگه کتاب ها نبودن، علم و دانش و سواد و پیشرفت و این همه امکانات و فناوری هم نبود. درست مثل اینه که معلمی نباشه خب وقتی معلم نباشه چطور بچه ها با سواد بشن و برن پایه بالاتر. اگه کتاب نباشه، رشد فکری هم وجود نداره. پس باید خدا رو شکر کنیم که در دنیایی زندگی می کنیم که کتاب ها هستن و باعث پیشرفت ما و جهان میشن. کتاب فرقی نمی کنه از جنس کاغذی باشه یا مجازی. مهم اینه که مناسب فکر و سن ما باشه. اون وقته که با مطالعه از لحظه های زندگی مون لذت می بریم.



سلام بچه ها اسم من نازنین زینب کاظمیان است و پایه سوم دبستان مدرسه نسیم ظهورم. من عاشق مطالعه کتاب های خوبم. یه چیز میگم و یه چیز می شنوین. نمی دونین که خوندن کتاب چقدر احساس آرامش بخشی داره.



سرانجام بعد از مدت ها صبر و تلاش من هم کتابخونه دار شدم. درسته که کتابخونه ام کوچیکه اما برام اندازه دنیا ارزش داره



از پول توجیبی ها همیشه چشم پوشی کرد و جای اون همه خوراکی و هله و هوله به فکر غذای خوش مزه روح بود. وقتی درس و تکالیف مدرسه ام تموم میشه، تازه میرم سراغ خوندن کتابای جدیدی که تمومشون نکردم.



کتاب از نگاه من بهترین گزینه برای هدیه داده. من معمولا به دوستان و عزیزانم در مناسبتای خاص کتاب کادو میدم.



کتابای خوب رو باید به هم معرفی کنیم چه به بچه های هم سن و سال خودمون توی فامیل، چه به دیگران که دوستای مدرسه مونن.



یکی از نشونه های عزیز بودن چیزا و آدما برای ما، توجه کردن به اون هاست. من همیشه کتابا و کتابخونه ام رو گردگیری می کنم. کتابا از تمیزی و توجه خوششون میاد.



باتشکر از عکاس محترم
مامان نازنین زینب

